



ادامه در صفحه ۵

نام پرطنین انسان به یاد رفیق خسرو روزبه

در تاریخ همه خلق های جهان، چهره ها و شخصیت هایی وجود دارند که، در تند پیچ های سرنوشت ساز، ایفاگر نقشی تاریخی و ماندگار می شوند. سرشت تاریخ چنان است که، دشوارترین وظایف و مسئولیت ها را بر دوش برگزیدگان خویش می نهد، تا آنان هستی سوزان خود را نثار جاده پر و پیچ و طولانی تکامل انسان سازند. به قول مارکس: «خداوند تکامل نوشداری خود را در کاسه سر شهیدان می آشامد.»

در دفتر تاریخ میهن کهن سال ما، نام های بسیاری از این گونه چهره های بزرگ، این فرزندان برومند تاریخ، به ثبت رسیده است. مزدک بامدادان، بابک خرم دین، روزبه داودیه پارسی (ابن مقفع)، صاحب الزنج، و در یکصد سال گذشته میرزا آقا خان کرمانی، حیدر

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۰۸، دوره هشتم

سال هفدهم، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۰

در این شماره

هراس عمیق مرتجعان از پیوند مبارزات

سیاسی و صنفی طبقه کارگر ۲ ص

دروازه ها گشوده می شوند! هجوم کشورهای

سرمایه داری و انحصارهای فرا ملی به بازار

پر سود ایران ۴ ص

خصوصی سازی و اخراج کارگران در صنایع

پتروشیمی ۶ ص

مراسم روز جهانی کارگر ۸ ص

«نامه مردم» ضرورت

سازماندهی توده ها و

نیروهای «اصلاح طلب»

چهار سال پس از حماسه پرشکوه مردم در نضی رژیم ولایت فقیه، معضلات و مشکلاتی که گریبان گیر این جنبش گردید و راه کارهای عملی برای رفع این مشکلات تبدیل به یکی از بحث های مهم روز در ایران و در میان کل فعالان سیاسی گردیده است. به نظر حزب توده ایران و تعدادی دیگر از نیروهای سیاسی مترقی، مشکلات به وجود آمده ناشی از عدم مشارکت بهینه توده ها در سیستم تصمیم گیری و تأثیر گذاری آنها در روند تحولات بوده است. مطالب و نوشته های انعکاس یافته در «نامه مردم» به خوبی نشانگر این موضع گیری صحیح و منطقی است، منتها به دلیل پیچیدگی های موجود بخصوص در میان فعالان سیاسی داخل ایران که

بقیه در صفحه ۲

مرتجعان حاکم و انتخابات ریاست جمهوری ۸۰

انتخابات باشد، موبد این نظریه است که ارتجاع حاکم با اتخاذ استراتژی «کنار کشیدن موزیانه» از انتخابات، مترصد است با کاهش جدی رأی خاتمی (در نبود هیچ نامزد جدی از سوی مرتجعان) در انتخابات از این طریق پایان یافتن حمایت مردمی از روند اصلاحات در ایران را اعلام کند و با استفاده از همین حربه روند اصلاحات مورد تهاجم گسترده تر خود قرار دهد.

افزون بر «کنار کشیدن موزیانه» از روند رسمی انتخابات باید منتظر بود که مرتجعان حاکم در هفته های آینده فشار گسترده تبلیغاتی را برای بی اعتبار کردن روند اصلاحات در ایران آغاز کنند. حملات تبلیغاتی مرتجعان، که نشانه های آنرا می توان در سخنان جنتی، در نماز جمعه این هفته تهران، مشاهده کرد، با انگشت گذاشتن بر روی نقاط ضعف جدی دولت خاتمی و عدم توانایی دولت او در زمینه تحقق قول هایش، که بخشی از آن به دلیل مماشات و ضعف جدی بنیاد های فکری آن و بخش دیگر آن به دلیل کارشکنی مرتجعان حاکم و صدور احکام «ولایتی» از سوی «ولی فقیه» رژیم و تهاجمات قوه قضائیه ارتجاع بوده است، مصمم است این نظر را جا بیاندازد که چشم اندازی برای روند و اصلاحات و ادامه آن موجود نیست و لذا باید به شرایط تحمیلی ارتجاع حاکم تن داد.

عباس عبدی، از سخنگویان جبهه دوم خرداد، در مصاحبه یی با روزنامه «نوروز»، دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه، ضمن تأیید نظر ارائه شده در بالا می گوید: «آنان [جناب راست] فکر می کنند که با کاهش آرای خاتمی می توانند برگ برنده ای علیه

ادامه در صفحه ۶

با پایان مهلت نام نویسی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۰، اعلام نامزدی سید محمد خاتمی و نام نویسی بیش از ۸۰۰ نفر به عنوان نامزد انتخاباتی، روند رسمی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۰ آغاز شد. اگرچه تاکنون اسامی همه نامزدهای انتخاباتی اعلام نشده است، ولی آنچه مشخص است این است که مرتجعان حاکم با تاکتیک حساب شده یی از وارد کردن نامزد انتخاباتی رسمی و جدی خود در انتخابات سال ۸۰ طفره رفته اند. اساس چنین ارزیابی بی شک بر این تحلیل استوار است که با توجه به انزجار عمیق و وسیع مردم از مرتجعان و تاریخ اندیشان حاکم، معرفی نامزد رسمی در برابر سید محمد خاتمی می تواند مانند دوم خرداد ۱۳۷۶ و انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی، هزینه سنگینی برای آنها به همراه داشته باشد. شکست مفتضحانه هاشمی رفسنجانی، از شاخص ترین مهره های رژیم «ولایت فقیه»، در جریان انتخابات مجلس ششم، درس دردناک و سهمناکی برای سران رژیم بود که نمی خواهند تکرار آنرا در جریان انتخابات سال ۱۳۸۰ دوباره تجربه کنند. وجود برخی اسامی مثل احمد توکلی، وزیر سابق کار و معمار قانون ضد کارگری «کار» دوران دولت موسوی، عبدالله جاسبی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، که مورد تنفر عمیق دانشجویان این دانشگاه است، و همچنین جنایتکاری همچون علی فلاحیان در میان نامزدهای انتخاباتی، به عنوان افرادی که رسماً و مشخصاً به گروه های مدافع استبداد و ارتجاع حاکم وابسته اند نیز پیش از آنکه نشانگر خواست جدی جناح «دوب در ولایت» برای شرکت و مقابله انتخاباتی با سید محمد خاتمی در جریان

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

نگاهی به رویدادهای ایران در هفته ای که گذشت

ادامه «نامه مردم»، سازمان دهی توده ها ...

طرفدار اصلاحات می باشند و وجود یک سری توهمات نسبت به ساختار قدرت در ایران در بین اصلاح طلبان واقعی این مشکل هنوز گریبانگیر جنبش بوده است. هاشم آجاجری در مصاحبه بی که با ایسنا، سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه، انجام داده است به تبیین دیدگاه هایی پرداخته است که به دلیل نبودن آن در میان اصلاح طلبان حکومتی حائز اهمیت و در خور توجه می باشد. وی با اشاره به نوع حرکت های اجتماعی و سیاسی در جامعه ایرانی، گفت: «موقعیت های بسیج شده در جامعه ما، موقعیت های سریع، گسترده و در عین حال موقت هستند. اما مشکل اساسی این حرکت ها این است که هرگز در تاریخ صد ساله اخیر ایران، جامعه فرصت سازمان دهی خود را نیافته است.» وی در ادامه گفت: «متأسفانه ما نه قبل و نه بعد از دوم خرداد نتوانستیم جامعه را در قالب نهادهای مدنی و اجتماعی سازمان دهیم و به واقع جنبش دوم خرداد جنبش متکی بر افکار عمومی سازمان نیافته بود.» وی اضافه کرد: «اگر «دوم خرداد» را جنبش ملی، مدنی و دموکراتیکی بدانیم که دموکراسی سیاسی آن برای برخی طبقات اجتماعی معنا و مصداق بیشتری دارد اما برای طبقات دیگر علاوه بر توسعه سیاسی، عدالت و باز توزیع ثروت نیز اهمیت دارد و فقدان نهادهای مدنی را نیز در کنار آن بگذاریم می توان گفت که یکی از مشکلات این جنبش علیرغم

شعارهایی که در برنامه های آقای خاتمی مسأله عدالت و توسعه همه جانبه و متوازن را نشانه رفته بود، ایجاد گسست و خلاء بین آن شعارها و تحقق عملیاتی آنها بود. لذا متأسفانه ما نتوانستیم آن نیرویی را که در دوم خرداد آزاد شده بود، به شکل سازمان یافته، متشکل و مستمر در صحنه حفظ کنیم.» آجاجری تکرار خصلت توده ای و بسیجی حرکت دوم خرداد در مقاطع انتخابات را برای گسترش و تعمیق دموکراتیزاسیون در ایران کافی ندانست و وجود نیرو و پشتوانه مردمی پیوسته و مستمر را عامل پیش برنده اقدامات نهادهای دموکراتیک دانست و اظهار داشت: «متأسفانه چنین نیرویی وجود ندارد، از سویی با توقیف مطبوعات خلاء ارتباطی بین رهبری جنبش دوم خرداد و بدنه اجتماعی ایجاد شد، با این چشم انداز است که می بینیم مردم در حوزه سیاسی به تدریج حاشیه نشین شده و به مسایل روزمره خود بازگشته اند و دوباره سیاست صحنه کشمکش نخبگان شده است و تا زمانی که دموکراسی پارلمانی و نخه گر محدود بماند ما همچنان این مشکلات را داریم که البته همین نوع دموکراسی هم به دلیل ساختار دوگانه قدرت در ایران نمی تواند مانند دیگر نمونه های آن در دنیا به شکل کارآمدی عمل کند.» وی با بیان اینکه طبقات و اقشار زحمتکش جامعه صدای رسایی در سه چهار سال اخیر نداشته اند، گفت: «تا زمانی که خود محرومان، مستضعفان و حاشیه نشین های اجتماعی نتوانند سازمان یابند از گروهها و طبقات در «خود» به گروهها و سازمان های «برای خود» تبدیل نشوند و مستقیماً مطالبات خود را بیان نکنند، این خلاء

همچنان وجود خواهد داشت.» ماضمن استقبال از چنین سخنانی، بخصوص با توجه به این موضوع که چنین نوع برداشتی در میان اصلاح طلبان حکومتی تاکنون کم سابقه بوده و کمتر امکان بروز یافته است، بدون اینکه بخواهیم این موضع گیری را از دید منتقدانه مورد ارزیابی قرار دهیم اضافه کردن یک نکته دیگر به این مهم را نیز لازم و ضروری می دانیم. به باور حزب توده ایران، یکی از ضعف های جنبش مردمی علاوه بر ضعف سازمان دهی، ضعف رهبری نیز می باشد. با قبول این واقعیت که به دلیل جو سرکوب شدید طی نزدیک به بیش از بیست و دو سال نیروهای مترقی خارج از حاکمیت عملاً حذف و کنار زده شدند رهبری این جنبش به دست نیروهای جبهه دوم خرداد افتاد که عمدتاً در سابق و حال حاضر در حاکمیت نقش های متفاوتی را دارا بودند و هستند. ناهمگونی چنین جبهه بی که در مقاطع حساس تن به سازش، مماشات و جلوگیری از روند مشارکت توده ها را باعث شده، نیاز جنبش به یک رهبری قاطع و مصمم که به مشارکت توده ها باور عمیق و اصولی داشته باشد، از نکات مهمی است که اصلاح طلبان واقعی براجع رف آن باید کوشش جدی به عمل آورند. جنبش مردمی برای از میان برداشتن سدهای ایجاد شده توسط ارتجاع، راه دشواری را در پیش رود دارد.

ایضا کنند. به گزارش روزنامه «نوروز»، چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت، در تجمعی که در مقابل مجلس برگزار گردید، خبر داد که دو گروه مدعی دفاع از کارگران به طرح شعارهای در حمایت از کارگران دست زدند. بنابراین گزارش، با اعلام پایان مراسم تعدادی از شرکت کنندگان که در نزدیک جایگاه حضور داشتند با سر دادن شعار «اعتصاب، اعتصاب، حق مسلم ماست» خواستار اعتصاب جامعه کارگری شدند و در مقابل، تعداد دیگری از افراد حاضر در صحنه نیز با مخاطب قرار دادن سخنرانان به طرح ادعاهایی پرداختند. حسن صادقی در مصاحبه با این روزنامه، سخنان مطرح شده از سوی کارگران معترض را کذب محض عنوان کرد و مدعیان را خرده بورژوا نامید. صادقی در پاسخ به این پرسش که دلیل مخالفت شما با خصوصی سازی چیست و چرا در دوران سازندگی که این برنامه شروع شد چندان تحرکی نداشتید، گفت: «ما در آن زمان هم همین اعتراض ها را داشتیم و با خصوصی سازی که به رها سازی تبدیل شده، مخالفیم...» نعمیمی پور در مصاحبه با روزنامه «نوروز»، سه شنبه ۱۱ اردیبهشت در جواب این سوال که، جریانی تندرو می کوشد تا به خیابان کشیدن کارگران و راه اندازی راه پیمایی دست به مانور سیاسی بزند، گفت: «اگر امروز برخی افراد به فکر بیفتند که از روش های غیر اصولی و غیر مدنی تبعیت کنند باید گفت که جای تأسف و شگفتی دارد و من یقین دارم که جامعه کارگری ما دنبال راهی این مسأله نیست و چنین افرادی را

در حالیکه گرایش های سیاسی این حقوق را تحت تأثیر قرار خواهد داد که در نهایت کارگران زبان خواهند دید.» اظهارات حسن صادقی در حالی بیان می شود که اتفاقاً ذوب شدگان در ولایت بخصوص طی چند ماهه گذشته مزورانه و با استفاده از وضعیت وخیم زحمتکشان میهن در صدد هستند از جریانات اعتراضی بر حق آنها به نفع خود سوء استفاده کرده که در نهایت منجر به بدبختی و فقر بیشتر کارگران خواهد انجامید. کارگران و زحمتکشان میهن ضمن گسترش اعتراضات خود و با تلفیق خواسته های سیاسی و صنفی که مکمل همدیگر هستند، باید دشواری های موجود را در نهایت به نفع خود به از سر راه بردارند. روزنامه نوروز، دوشنبه ۱۰ اردیبهشت، در مصاحبه ای با موسی غنی نژاد در باره وضعیت تشکل های کارگری در ایران از او سول می کند که وی در جواب گفت: «در ایران سندیکای سراسری مهمی در حوزه کارگری وجود ندارد فقط خانه کارگر است که آن هم یک نهاد دولتی است نه نهاد مدنی. مشکل ما در ایران در زمینه سندیکا و تشکل های کارگری مثل مشکلات ما در دیگر نهادهای مدنی است. همچنان که سایر نهادهای مدنی چون احزاب و مطبوعات آزاد در جامعه ما نتوانسته اند جایگاه و کارکرد واقعی خود را داشته باشند، سندیکاهای کارگری هم نتوانسته اند وظیفه اصلی خود را پیدا کنند، قضیه تشکل های کارگری در جامعه ما لوٹ شده است.» غنی نژاد حل این مشکل را ایجاد تشکل های کارگری از درون جامعه کارگری و مستقل از دولت می داند اما معتقد است چنین تشکل های سیاسی باید به دور از شائبه های سیاسی، وظیفه اصلی صنفی و حرفه ای خود را

هراس عمیق مرتجعان از پیوند مبارزات صنفی و سیاسی طبقه کارگر

هفته گذشته به مناسبت اول ماه، روز جهانی کارگر، فرصتی برای زحمتکشان فراهم شد تا مقامات رژیم توجهی هر چند ظاهری به مسایل و مشکلات کارگران و زحمتکشان میهنان انجام دهند. به همین مناسبت در لابلای روزنامه های مجاز در داخل کشور سلسله مقالات و بحث هایی در مورد این فشر زحمتکش درج گردید. به گزارش ایسنا، سه شنبه ۱۱ اردیبهشت، نمایشگاه عکسی از زنان کارگر در کرمانشاه دایر شد که بابک صدیقی، انگیزه خود را از این اقدام چنین اعلام کرد: «در همه برهه های زمانی نام زنان کارگر بوده است اما به چشم نمی آید و آنچه را که به چشم نمی آید باید به چشم آورد تا دیگران ببینند و بهتر درک کنند.»

در مشهد کارگران شرکت کننده در راه پیمایی با حمل پلاکاردها و پارچه نوشته هایی تحت عنوان: «نظام مزدی ما اصلاح باید گردد، حقوق حقه ما احیا باید گردد»، «شرکت های پیمانی عامل برده داری است»، «انعقاد قراردادهای موقت در کارهای دائم باید لغو گردد» قسمتی از خواسته ها و حقوق پایمال شده خود را بیان کردند.

روزنامه «جمهوری اسلامی»، ۱۱ اردیبهشت، در یک مصاحبه با حسن صادقی، رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار از قول وی نوشت: «هر قدر کارگران بتوانند از چالشها و تنش های سیاسی جامعه فاصله بگیرند و حرکت های خود را به دور از گرایش های سیاسی، صنفی نمایند، به موفقیت بیشتری در احقاق حقوق خود دست خواهند یافت.» وی همچنین اضافه کرد: «فاصله گرفتن جامعه کارگری از گرایش های سیاسی به معنی بی تفاوتی آنها نیست، اما ثابت شده که هر اندازه کارهای صنفی بیشتر مد نظر اتحادیه های کارگری باشد، عملکردها به نفع بخش صنعت، تولید، کارفرما و کارگر تمام خواهد شد. تلاش ما هم این است که جامعه کارگری کشور را از مسایل سیاسی جدا کنیم و اگر خواسته ها و تلاش های ما صنفی و در راستای بهبود کار و تولید باشد، تفاوتی ندارد کدام گروه و جریانی حاکمیت سیاسی را در اختیار داشته باشد. اگر چنین هدفی در کشور برآورده شود در هر مقطعی لشکر کارگران می توانند حقوق صنفی خود را از دولتمردان طلب نمایند

ادامه هراس عمیق مرتجعان حاکم از پیوند مبارزات صنفی ...

طرد می کند. «نعمیمی پور که عضو هیئت رئیسه مجلس و عضو جبهه مشارکت می باشد نگفت که بر اساس کدامین بنیین های تانکونی و شناخته شده، راه پیمایی گروهی زحمتکش برای احقاق حقوق خویش، روش غیر اصولی و غیر مدنی تلقی گردیده است. سهیلا جلودارزاده در مورد قراردادهای موقت گفت: «در حقیقت کسی حامی تصویب این قانون نبوده است، طبق قانون پس از سه ماه کارگر لازم است بیمه شود که کارفرمایان مدت قرارداد را تبدیل به دو ماه و بیست و هشت روز می کنند و ما خواستار اجرای صحیح قانون هستیم.» صحبت های جلودارزاده اذعان است به اینکه کارگران مادر کشوری زندگی می کنند که قانون معنا و مفهومی در آن ندارد و فقط تکه پاره های کاغذ هستند و هر کس هر چه دلش خواست انجام می دهد. به نظر می رسد این هم از همان توجیحات معمول برای استتار سیاست های مخرب خصوصی سازی بوده است. کوزه گر نماینده دیگر در مجلس در این باره گفت: «وقتی در قوانین کار و دیگر قوانینی که به نحوی مربوط به روابط کارگر و کارفرماست به شکلی افراطی از کارگر دفاع و قوانینی وضع می شود که دست کارفرما بسته می شود و تمایل کارفرما را نسبت به جذب نیروی کار کاهش می دهد، چه کسی مقصر است.» بهاء الدین ادب نماینده از سنندج در مصاحبه با ایستا، ۲۶ فرودین گفت: «در مورد قراردادهای موقت که بین کارفرما و کارگر بسته می شود، باید به رابطه علت و معلولی آنها توجه بشود، اینکه به چه مناسبت یک کارفرما قرارداد موقت می بندد، آیا این یک ترس است واقعی است یا یک چیز واهی، یک توهم است. قطعاً افراد زیاد طلب در جامعه ما وجود دارند ولی اکثر سرمایه گذاران و کارفرمایان از قانون کار گله دارند و به فکر زیاد طلبی نیستند.» طبیعتاً منظور نماینده مجلس از «افراد زیاد طلب»، باید هزاران هزار زحمتکش و کارگران میهنمان باشد که طی سالیان اخیر و با انواع ترفندها از کار بیکار شده و تعدادی از آنها تحت ظالمانه ترین شرایط مجبور به کار در همان کارخانه و یا واحد تولیدی شدند. نکته دیگری که در جریان تظاهرات کارگران در روز جهانی کارگر بر روی آن به طور عمد تاکید شد، وجود کارگران خارجی و بخصوص افغانی بود. بر اساس چنین ادعاهایی کارگران افغانی باعث بیکاری فزاینده کارگران ایرانی گردیده اند. مرتجعان حاکم به هر طرف چنگ می اندازند و به هر طرف تیری شلیک می کنند تا مبادا ریشه اصلی تمامی این مصایب بی شمار نزد کارگران و زحمتکشان افشا گردد. ریشه تمامی این دشواری ها نه کارگران خارجی، نه کارگران افغانی و نه «زیاده طلبی های» زحمتکشان میهنمان، بلکه اجرای سیاست های مخرب اقتصادی است که از زمان هاشمی رفسنجانی به مورد اجرا گذاشته شده و تا به امروز همچنان ادامه یافته است.

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



وقایع نگاری يك سده جنبش کارگری و

کمونیستی ایران

- ۲۴ مهر ۱۳۷۸ (۱۶ اکتبر ۱۹۰۸) - تشکیل نخستین گروه سوسیال دموکرات در تبریز
- اعتصاب کارخانه های چرمسازی تبریز زیر رهبری سوسیال دموکرات ها. خواست اعتصابیون بالا بردن دستمزدها، استخدام و اخراج کارگران با موافقت کارگران، پرداخت دو برابر دستمزد برای اضافه کار، پرداخت نصف حقوق کارگران به هنگام بیماری بود. اعتصاب پس از سه روز با گرفتن اضافه دستمزد و تعهد عدم اخراج اعتصاب کنندگان پایان یافت.
- تابستان ۱۳۸۹ - اعتصاب کارگران چاپخانه های تهران و کارمندان تلگرافخانه تهران. پس از دخالت پلیس نمایندگان اعتصابیون در مجلس متحصن شدند تا آنکه تقاضای اضافه دستمزد و آزادی بازداشت شدگان پذیرفته شد.
- تابستان ۱۳۸۹ - انتشار نخستین روزنامه کارگری بنام «اتفاق کارگران» که بیش از پنج شماره از آن منتشر نشد.
- سال ۱۳۸۹ - انتشار روزنامه مترقی «ایران نو» ارگان حزب دموکرات که سوسیال دموکرات ها در آن نفوذ داشتند. در این روزنامه مقالاتی در زمینه شناساندن مارکس و مارکسیسم انتشار می یافت.
- سال ۱۳۹۵ (۱۹۱۶ میلادی) - تشکیل نخستین گروه عدالت زیر رهبری اسدالله غفار زاده در معادن نفت باکو
- اردیبهشت ۱۳۹۶ (ماه مه ۱۹۱۷) - تشکیل حزب عدالت
- سال ۱۳۹۷ - اعتصاب چهارده روزه کارگران چاپخانه های تهران که نتیجه آن انعقاد نخستین قرار داد دسته جمعی بود که در آن هشت ساعت کار در هفته و بهبود وضع کارگران پیش بینی شده بود.
- سال ۱۳۹۷ - تشکیل اتحادیه های نانوائی، آموزگاران، کارمندان پست و تلگراف، کفاشان، و خیاطان. مجموعاً در این سال ۱۱ اتحادیه کارگری - زحمتکشان تشکیل شد.
- پایان سال ۱۳۹۷ - تشکیل شورای اتحادیه های کارگری تهران.
- ۳ - ۱ تیرماه ۱۳۹۹ (۲۴ - ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰) - تشکیل نخستین کنگره حزب عدالت، در بندر انزلی، که به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

ادامه روز جهانی کارگر ...

را نا بود کرد»، در محکومیت سیاست های اقتصادی رئیس جمهور راهپیمایی کردند. دولت کسره جنوبی بیش از ۱۵/۰۰۰ پلیس را برای کنترل تظاهرات در سنووال بسیج نموده بود. در یک مراسم بی سابقه در «کوهسار الماس»، یک منطقه زیبا در کره شمالی، بیش از ۱۰۰۰ کارگر از کسره جنوبی و شمالی با رقص و بایکوبی مشترک مراسم اول ماه مه را جشن گرفتند. در دوره پس از جنگ کره و تقسیم شبه جزیره کره، متعاقب دخالت نظامی آمریکا و متحدان آن، برای اولین بار زحمتکشان دو کره مشترکاً مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کردند. در تایوان ده ها هزار فعالان اتحادیه های کارگری و کارگران بیکار در روز اول ماه مه، در تایپه، راه پیمایی کردند. تظاهر کنندگان خواستار اتخاذ سیاست های ایجاد اشتغال و استعفای مقامات عالی رتبه رسمی شدند. تظاهر کنندگان بر رغم باران شدید با روحیه بی بالا و با حمل دریایی از پرچم ها و پلاکاردهایی حاوی شعارهایی بر ضد دولت مراسم اول ماه مه را جشن گرفتند. پلیس با قراردادن سیم های خاردار و بستن مسیر های حرکت مانع پیشروی تظاهر کنندگان که در شعارهایی خواهان

کاربایی، عضو اتحادیه مترقی «ث.ژ.ت.» گفت: «اول ماه مه امسال اهمیت ویژه بی دارد، زیرا یک رشته از کمپانی هایی که سودشان در حال افزایش است، موج وسیعی از بیکار کردن ها را دامن زده اند.» زحمتکشان ترکیه مراسم اول ماه مه را به صحنه تظاهرات ضد سیاست های فاجعه بار اقتصادی و سیاسی دولت که از یک سو منجر به تعطیلی کارخانجات و موج وسیع بیکاری و از سوی دیگر سرکوب گسترده نیروهای مخالف شده است، تبدیل کردند. در استانبول، بیش از ۲۰۰ نفر در تظاهرات یا شکوهی اول ماه مه را که مصادف با شروع فصل تورسم در کشور است جشن گرفتند. تظاهر کنندگان خواهان کاهش فشار دولت بر زندانیان سیاسی چپگرا و مترقی در بازداشتگاه های کشور که به اعتصاب غذای یک ماهه خود در اعتراض به تزییقات سیاسی ادامه می دهند، شدند. تا کنون حداقل بیست زندانی جان خود را در جریان اعتصاب غذا از دست داده اند. در سنول پایتخت کره جنوبی، بیش از ۲۰۰ کارگر و دانشجو با به صدا در آوردن سنج و طبل در پشت یک پلاکاردهای بزرگ حاوی شعارهای «سرنگون باد کمپ دا جونگ، که زندگی کارگران

ادامه در صفحه ۵

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

دروازه ها گشوده می شوند!

هجوم کشورهای سرمایه داری و انحصارهای فراملی به بازار پر سود ایران

باشند. فعالیت شرکت های فرا ملی که از پشتیبانی دولت های اروپایی و ژاپن برخوردار اند فعالیتی همه جانبه، دقیق و با برنامه ریزی بی حساب شده است. این فعالیت تمامی شئون اقتصادی - اجتماعی را در بر می گیرد. رسانه های همگانی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲ آذر ماه ۷۹ گزارش دادند که، ۶ بانک ایرانی، اعتباری به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار دریافت کرده اند. روزنامه اطلاعات به نقل از هفته نامه اقتصادی مید نوشت: «بانک انگلیسی اچ-اس-بی-سی، یکی از موسسات مالی بزرگ جهان پذیرفته است که مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار برای ایران گشایش اعتبار کند. بانک های ملی، سپه، صادرات، ملت، تجارت و توسعه صادرات طرف های توافق بانک انگلیسی اچ-اس-بی-سی برای گشایش این اعتبار نیم میلیارد دلاری اند.»

جالب اینجاست که، مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی اشاره بی به سابقه و نام تاریخی این بانک نمی کنند، و فقط روزنامه اطلاعات بین المللی، در تاریخ ۲ آذر ماه، به صورت مختصر، نوشت: «بانک اچ-اس-بی-سی در اصل فعالیت خود را در زمان ناصرالدین شاه قاجار و به سال ۱۲۶۸ شمسی (۱۸۸۹ میلادی، در ایران آغاز کرد و به مرور گستره فعالیت خود را جهانی کرد. باید تاکید کنیم که، این موسسه مالی همان بانک شاهنشاهی معروف است که دارای سابقه بی سیاه در ایران بوده و نیات استعماری انگلستان را نمایندگی می کرده است(ما به موقع خود به پیشینه و عملکرد این بانک در تاریخ ایران خواهیم پرداخت) علاوه بر بانک شاهنشاهی و یا همان اچ-اس-بی-سی، شرکت های نفتی انگلستان نیز با سرعت خیره کننده بی در صد نفوذ در صنعت نفت ایران اند.

محافل وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی ابراز تمایل کرده اند، قرار داد ۳ میلیارد دلاری میدان نفتی بنگستان، در استان خوزستان، به شرکت های انگلیسی و بی-بی-آمو واگذار شود. میدان بنگستان از مهم ترین میدانی نفتی ایران به شمار می آید. این قراردادهای و موارد مشابه آن، کاملاً یک طرفه و به زیان ایران اند. همانند عملکرد شرکت فرانسوی توتال، که اینک قلب و خرابکاری عمده این شرکت از پرده برون افتاده و افشاح آن به صفحات مطبوعات ایران و اروپا کشیده شده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی، در تاریخ ۱۱ آذر ماه، اعلام کرد، تا تکمیل مراحل پایانی طرح توسعه دو میدان نفتی در خلیج فارس، شرکت توتال طرف چند ماه آینده این میدان ها را تحویل خواهد داد، اما عدم حصول استخراج ۱۲۰ هزار بشکه نفت از میدان نفتی سیری مورد اعتراض شرکت ملی نفت ایران قرار گرفته است. هفته نامه مید، از قول مسئولان شرکت ملی نفت ایران، فرانسویان را به ارتکاب نوعی کلاه برداری متهم ساخت. این خبر به معنای آنست که شرکت توتال با یک قرار داد یک جانبه به زیان ایران پول کلانی به جیب زده و در آخر کار هم مفاد قرار داد اجرا نشده است و ایران ضرر کرده است.

اما پایمال شدن منافع ملی ایران برای رهبران رژیم ولایت فقیه مایه دغدغه خاطر نیست، اصولاً تامین حقوق مردم ایران برای این رژیم مطرح نیست و نمی تواند باشد. مدیر عامل شرکت کالای نفت ایران، در لندن، در جریان همایش بین المللی تاثیر نفت خاورمیانه و دریای خزر، با چشم بستن بر واقعیت ها و توسل به دروغ، بستن قراردادهای اسارت بار با انحصارهای فراملی را یک پیروزی قلمداد می کند و با وقاحت تمام تاکید می کند: «طرف پنج سال اخیر، ۱۲ قرار داد بزرگ جهت توسعه میادین نفت و گاز به ارزش ۱۵ میلیارد دلار با شرکت های خارجی امضاء شده است.» بسیاری از این قراردادهای بدون توجه به منابع ملی ایران منعقد شده اند و به شدت ضد ملی اند. علاوه بر شرکت ها و دولت های اروپایی، ژاپن و شرکت های ژاپنی بر دامنه حضور خود افزوده اند. توافق بر سر پرداخت ۳ میلیارد دلار وام از سوی ژاپن به جمهوری اسلامی، که در ازای آن امتیاز میدان نفتی آزادگان که از بزرگ ترین میادین نفت خاورمیانه محسوب می شود، به این کشور، داده شد، دولت ژاپن ۴ طرح اقتصادی را نیز در ایران زیر پوشش بیمه بازرگانی خود قرار می دهد. کل هزینه این طرح ها بیش از ۷۰۰ میلیون دلار برآورد شده است. دولت جمهوری اسلامی نیز تعهد سپرده است که، سرمایه و سود آن بی کم و کاست به ژاپن تعلق گیرد. همزمان با انعقاد چنین قراردادهای و تعهد سپردن از سوی رژیم ولایت فقیه، در اوایل آذر ماه اعلام گردید که یک کنسرسیوم آلمانی متشکل از سه شرکت هولتسمن، زیمنس و لامایر اینترنشنال موفق به امضاء موافقتنامه ای برای احداث یک نیروگاه آبی در

در چند ماه گذشته، روابط اقتصادی رژیم ولایت فقیه با کشورهای پیشرفته سرمایه داری، ونیز شماری از انحصارهای فراملی، وارد مرحله جدیدی شده است. رسانه های همگانی، در تاریخ ۴ بهمن سال ۷۹، با انتشار خبر ملاقات مدیر کل سیاسی وزارت خارجه انگلیس با مقامات ایران، از جمله نوشتند: «بیتروست کات بر اهمیت روابط با جمهوری اسلامی از دیدگاه مقامات دولت انگلیس تاکید کرد، و خواستار تقویت روابط تجاری و فرهنگی با جمهوری اسلامی شد.» پیش از این، روزنامه تربیون، چاپ پاریس، در تاریخ ۱۸ آبان ماه ۷۹، با انتشار یک گزارش تحلیلی راجع به روابط آمریکا و ایران پس از روی کار آمدن رئیس جمهوری جدید در کاخ سفید، خاطر نشان ساخت: «بازرگانان آمریکایی به ایران علاقمند و در پشت دروازه های این کشور منتظر ورود هستند. هم اکنون ابزارهای رایانه ای (کامپیوتری) تولید آمریکا در ایران به فروش می رسد، و پلیس ایران به تلفن «موتورولا» ساخت شرکت های آمریکایی، مجهز است.»

همچنین نشریه اکونومیست در گزارشی مشروح که در اواخر آذرماه سال ۱۳۷۹ منتشر شد، به ارزیابی اوضاع اقتصادی ایران در سال ۲۰۰۱ پرداخت و با تاکید بر این امر که، ایران از نظر منابع ارزی در شرایط مطلوبی قرار دارد، خواستار تسریع در امر اصلاحات اقتصادی در جهت بازار آزاد شد و با یادآوری بحران سیاسی نسبت به ژرفش جنبش مردمی در اثر اختلافات درونی حاکمیت هشدار داد و تاکید کرد: «تشدید اختلافات عاملی منفی و به زیان اصلاحات اقتصادی است.»

همزمان با این گونه موضع گیری ها و با دقیق تر گفته باشیم، هشدار باش امپریالیسم نسبت به سیر رویدادها در کشور ما، محمد جواد لاریجانی از نظریه پردازان ارتجاع حاکم و مهره با نفوذ در میان مدافعان ذوب در ولایت، در گفت و گویی با خبرگزاری ایسنا که در تاریخ ۱۸ آذر ماه ۷۹ در روزنامه اطلاعات بین المللی انعکاس یافت، با تاکید بر اینکه مدافعان ذوب در ولایت مخالفتی با تنش زدایی با آمریکا ندارند، بار دیگر رسماً و صراحتاً به نمایندگی از سوی ارتجاع به امپریالیسم و انحصارهای فراملی چراغ سبز نشان داده و موافقت کامل و بی چون و چرا با حضور و نفوذ آنها در ایران را یادآور شد. اظهارات صریح محمد جواد لاریجانی به دنبال تلاش های هدفمند در مجلس شورای اسلامی به منظور طرح و تصویب قانون جدید جلب سرمایه گذاری خارجی، انجام گرفته است. روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی در تاریخ ۳۰ آبان ماه ۷۹ به نقل از اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس اعلام داشتند که، طرح جذب سرمایه گذاری خارجی در دست بررسی است، بر اساس این طرح جدید، یک سازمان جذب سرمایه گذاری خارجی تشکیل و ظرف دو روز نسبت به پذیرش سرمایه گذاران خارجی اقدام خواهد کرد. مساله فقط به طرح و تصویب قانون جدید برای جلب و جذب سرمایه خارجی محدود نمی شود. در این زمینه، کوشش های عنودانه بی از سوی هر دو جناح اصلی در جریان می باشد. محسن نوربخش رییس کل بانک مرکزی در مراسم معارفه مدیر عامل جدید بانک سپه در تاریخ، ۱۴ شهریور ماه ۱۳۷۹ یادآور شد: «از ماه آینده (یعنی مهرماه سال ۷۹) بانک های خصوصی می توانند فعالیت خود را در مناطق آزاد، آغاز کنند، همچنین دستورالعمل تاسیس بانک های خصوصی در داخل کشور (ظاهراً به زعم نوربخش این عامل سرسپرده رفسنجانی، مناطق آزاد جزو خاک ایران نیستند) نیز تدوین شده که پس از نهایی شدن، شاهد حضور این بانک ها خواهیم بود.» به فاصله کوتاهی از آغاز فعالیت بانک های خصوصی، شرکت های بیمه خصوصی در کشور تاسیس می شود. رییس کل بیمه مرکزی ایران، طی مصاحبه بی در بندرعباس به تاریخ دوم آبان ماه تاکید کرد: «به منظور گسترش فعالیت های بیمه تا پایان امسال شرکت های بیمه خصوصی در کشور تاسیس می شود، لایحه شرکت های بیمه خصوصی در مجلس در دست بررسی است و بزودی تصویب خواهد شد. بیمه خصوصی باعث توسعه این صنعت می شود. در این خصوص اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی که مرکز و ستاد ارتجاع درنده خو و ضد ملی ایران است و چهره های منفوری چون خاموشی، عسگر اولادی و غیره در آن همه کاره اند رسماً اعلام داشته است: «قوانین مزاحم باید حذف شوند.» البته این قوانین مزاحم چیزی جز باقی مانده اصول مترقی از ابتدای انقلاب نیستند.

با چنین اقدامات و پیش زمینه هایی است که، انحصارهای فراملی به حضور و نفوذ مخرب و گسترده آن هم به زیان اقتصاد و تولید ملی در میهن ما مشغول می

ادامه دروازه‌ها گشوده می شوند ...

ایران شده است. هزینه احداث این نیروگاه آبی بیش از ۱ میلیارد مارک تخمین زده شده است. جالب اینجاست طرف قرارداد با کنسرسیوم آلمانی، نه ارگان‌های صلاحیت دار بلکه یک شرکت ایرانی تحت پوشش وزارت نیرو به نام «شرکت توسعه آب و انرژی» است. شرکت مشهور آلمانی کروپ نیز در آستانه آشفته بازار ایران موفق به امضاء قراردادی به مبلغ ۱۰۰ میلیون یورو (معادل ۹۲ میلیون دلار) برای احداث یک کارخانه پلی اتیلن سنگین در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس - عسلویه شد. طرف قرارداد موسسه کروپ، شرکت ایرانی «مهندسی مشاور سازه» بود. در هیچ یک از این قراردادهای، که به عنوان «پیروزی» و «کامیابی» در داخل کشور بازتاب می یابد. انتقال فن آوری به ایران و آموزش متخصصان ایرانی گنجانده نشده است. اما معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات مختلف برای سرمایه خارجی در نظر گرفته شده است. تسهیلاتی که اشتباهات انحصارهای فراملی را برانگیخته است. در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس یا همان عسلویه در مجاورت خلیج فارس، علاوه بر آلمان‌ها و انگلیسی‌ها، ایتالیایی‌ها نیز سخت فعالند.

در ۳۰ دی ماه مطبوعات گزارش دادند، با سرمایه‌گذاری ۳۳۰ میلیون دلاری ایران و ایتالیا سه کارخانه پلی پروپیلن، پلی اتیلن سبک خطی و اتیلن گلیکول در عسلویه، احداث خواهد شد. ۸۵ درصد سرمایه‌گذاری را در اختیار خود دارد و جمهوری اسلامی توافق کرده است تا طول ۸/۵ سال، از طریق صدور محصولات تولیدی این کارخانه‌ها، اعتبار ایتالیا را بازپرداخت کند. به علاوه هر ساله سود هنگفتی مستقیماً به طرف ایتالیایی اختصاص می یابد و ایران حقی در آن دارا نیست! آیا این گونه قراردادهای منافع ملی ایران را تامین می کنند؟ و آیا اصولاً چنین روابطی به رشد اقتصادی و کسب فن آوری نوین و نیز حل معضل بیکاری و تقویت تولید منجر خواهد شد؟! پاسخ روشن است. خیر! جهت عمده، اصلی این قراردادهای از آنجایی که تحمیلی و یکجانبه و به زیان میهن ماست، اتفاقاً به تولید ملی ضربات جدی و جبران ناپذیری وارد می سازد و بنیه اقتصادی را تضعیف می کند.

میان رابطه معقول بر اساس سود متقابل و کسب فن آوری نوین، با آنچه هم اکنون جمهوری اسلامی در حال انجام است، تفاوتی ژرف وجود دارد. در واقع به نام خروج از انزوا و گسترش ارتباط با جهان، چوب حراج به ثروت ملی زده اند. در اثر خیانت سران رژیم ولایت فقیه، انحصارهای فراملی در یک فرصت تاریخی به شکلی حساب شده و منظم، سلطه و نفوذ خود را در حیات اقتصادی - اجتماعی سیاسی میهن ما می گسترانند و پایه‌های استقلال ملی را سست می کنند.

بی جهت نیست که امپریالیسم در ماه‌های اخیر، به جناح‌های حکومتی در مورد ژرفش جنبش مردمی هشدار می دهد و نگرانی خود را از عواقب شکل‌گیری یک جایگزین مترقی در برابر رژیم ولایت فقیه ابراز می کند. شرایط رژیم ولایت فقیه برای فعالیت سرمایه جهانی در میهن ما آن چنان مجذوب کننده است که باید به صراحت از پیوند ارتجاع و امپریالیسم بر ضد جنبش مردمی سخن گفت، پیوندی به مراتب محکم تر از آن چیزی که در گذشته وجود داشت!

ادامه روز جهانی کارگر ...

استعفای نخست وزیر چانگ چون هسیونگ، و بین چینگ چانگ، وزیر مالی، بودند به سوی کاخ ریاست جمهوری در مرکز تائپه حرکت کردند. در سال‌های اخیر بیکاری شدیداً در تایوان گسترش یافته است و مطبوعات کشور گزارشگر موج افزایش یابنده خودکشی‌ها در رابطه با بیکاری بوده اند. در سخنرانی خود در روز اول ماه مه، نخست وزیر تایوان تعهد کرد که از طریق گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و افزایش مصرف تنگنای اشتغال در کشور را چاره کند. لین هسین آی، وزیر اقتصاد تایوان، بیکاری فزاینده را محصول مهاجرت سرمایه‌گذاری از تایوان به جمهوری چین و تعمیق رکود اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری غربی دانست. سیاستمداران مخالف دولت خواهان تعویق مسافرت آتی رئیس جمهوری تایوان به آمریکای لاتین و متمرکز کردن تمامی امکانات برای پیدا کردن راه حل برای بحران بیکاری و اقتصاد بحران زده شدند. شرکت کارگران صنایع دولتی در مراسم اول ماه مه امسال چشمگیر بود. تقلیل حقوق‌ها و طرح دولت برای خصوصی کردن بخش دولتی شرایط نگران کننده‌ای را در بین این دسته از کارگران، که شدیداً در هراس از بیکاریند، دامن زده است.

در جمهوری توده‌ای چین، مراسم رسمی اول ماه مه با شکوه فراوان برگزار گردید. در چین روز اول ماه مه شروع یک هفته تعطیلات رسمی برای کارگران و آغاز فصل مسافرت است. دولت چین کارفرمایان را موظف می کند که به مناسبت اول ماه مه بقیه هفته را نیز با برخورداری از حقوق، به کارگران تعطیلی بدهند.

ادامه نام پرطنین انسان ...

عمو اوغلی، ستارخان، شیخ محمد خیابانی، ارانی، سیامک و روزبه و کیوان، و در دوره اخیر رحمان هاتفی، سیمین مدرسی و عباس حجری و ظفر حیدری از زمره این نام‌های جاودانه اند!

خسرو روزبه، یکی از پر فروغ ترین نام‌های این تاریخ پر افتخار است. او در یکی از دشوارترین لحظات تاریخ معاصر ایران، ایفاگر نقشی بزرگ شد و با نثار جان خود، سد انحطاط و تسلیم در جامعه را شکسته، ضعف و ناتوانی رژیم کودتا و اربابان آن را به رخشان کشید.

در آن سپیده دم خونین ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ که پیکر پهلوانی قهرمان ملی ایران خسرو روزبه، آماج گلوله‌های خصم قرار گرفت، دشمنان سوگند خورده مردم ایران، دربار پهلوی و اربابانش، به عبث پنداشتند از «شر» روزبه و حزب او، یک بار و برای همیشه رهایی یافته اند. تیرباران روزبه برای ارتجاع «پیروزی» بر آرمانهای انقلابی بود. اما روزبه و حزب او در اندیشه‌های انقلابی، چون ققنوس از خاکستر برخاسته و در آسمانی به پهنای آبی بیکران ایران به پرواز درآمدند. استقامت روزبه و حماسه جاودانه او بار دیگر ثابت کرد که با اعدام، شکنجه و جعل تاریخ نمی توان چرخ تاریخ را از حرکت بازداشت، «تاریخ، پویه مداوم ولی دشوار و گاه مکرر در مکرر خلق‌ها به سوی هدف هاست.»

امروز آنچه بار دیگر روزبه را به عنوان سمبل عالی «نام پرطنین انسان» مطرح می سازد، رخ دادهایی است که، در میهن ما در جریان است. نبرد حاد و سرنوشت ساز میان نو و کهنه، میان آزادی و عدالت با استبداد و واپس ماندگی. در این نبرد بی‌امان، دشمن می‌کوشد آرمان‌گرایی و سنجایی انقلابی و مترقی را کهنه شده، ناکارآمد، بی‌معنا و در کوره زندگی باطل اعلام شده معرفی نماید.

هدف ارتجاع، که از شرایط نامساعد زمانه ما، مدد می‌گیرد، روشن است، خفه کردن هر گونه رشد و رواج سنجایی عالی انقلابی و انسانی و روحیه رزمندگی که، برای هر پیکارگر میهن پرست در مبارزه از ضروریات انکار ناپذیر به شمار می‌آید.

رژیم ولایت فقیه به پیروی از جامعه‌شناسی بورژوازی که، هر گونه آرمان و آرزوی انسانی و شریف را منکر می‌شود، زیرا قادر به ایجاد یک آرمان واقعی و اصیل نیست، تلاش می‌ورزد آرمان‌گرایی را منسوخ شده معرفی ساخته و هر گونه روحیه آرمان‌گرایانه را در نطفه خفه نماید و در مقابل آن روحیه قرون وسطایی بی‌همچون تعبد و تسلیم را تبلیغ کند و یا فردگرایی کاذب غربی را رواج دهد. درست به این دلیل است که در شرایط کنونی باید جوانان و نسل مبارزان جنبش دمکراتیک و مترقی کشور را با تاریخ واقعی مردم آشنا ساخته و روح مبارزه جو، شادابی، سرزندگی و بصیرت انقلابی و سنجایی عالی انسانی را در جان آنان دمید و برای این اقدام بس خطیر و مهم، چه نمونه‌ای بهتر، برجسته تر و اصیل تر از خسرو روزبه، این گرد جاودانه و همیشه زنده!

برای مبارزان توده‌ای، به گواهی تاریخ پر افتخار حزب، آرمان یک رویا و پندار دست نیافتنی نیست. بلکه بقول زنده یاد رفیق احسان طبری: «آرمان پرستی انقلابی مارکسیستی تخیل و رویا نیست، علم است و آرمان پرست انقلابی مارکسیست رویا باف نیست، سیاستمدار خردمند و واقع بین و فداکار، معمار بصیر زندگی نوین انسانی در شکل مشخص و قابل تحقق تاریخ آنست و از تلاش خود نتیجه‌ای فزونی‌تر از مقدور نمی خواهد و اگر آنها دست نداد، از تلاش باز نمی‌ایستد.» این ویژگی ارزنده توده‌ای‌ها و درک آنها از آرمان‌گرایی انقلابی و مترقی است که برای مبارزه در راه نیل به آزادی و عدالت اجتماعی به آن مجهز هستند. در این دوران دشوار مبارزه، یادکردن از خسرو روزبه، تجدید پیمان با او است، تقویت ایمان آرمان خواهانه در پیشگاه خاطره همیشه زنده او است. مبارزان توده‌ای و همه انقلابیون شریف ایران با سرمشق قرار دادن نام و راه و روش روزبه‌ها، با ایمانی شعله‌ور و باورمند به آینده سعادت‌مند بشر، به مبارزه خود برای رهایی میهن از چنگال استبداد و ارتجاع ادامه می‌دهند! گرامی باد خاطره رفیق خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، این نماد اصیل و ماندگار «نام پرطنین انسان»!

ادامه مرتجعان حاکم و انتخابات ...

اصلاحات به دست آورند. به همین دلیل تصور می کنند که هیچ نامزدی نباید منسوب به جناح راست شود، زیرا که این امر موجب کاهش آرای آنان و افزایش آرای خاتمی خواهد بود. به گفته عبدی: «آنان همچنین فکر می کنند که با تعدد رقبا برای آقای خاتمی می توانند آرای آقای خاتمی را کاهش بیشتری دهند و به یک معنا رأی شکنی کنند»

بحث بر سر انتخابات ۱۳۸۰، همچنان که در مقطع انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز بود، بحث رأی منفی دادن به ادامه حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» و ادامه استبداد در ایران است. حزب ما بدرستی انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ را فراراندوم تاریخی مردم ایران بر ضد رژیم «ولایت فقیه» ارزیابی کرد و انتخابات خرداد ۱۳۸۰ نیز اساساً دارای چنین ماهیتی است. روشن است که در کشوری که احزاب سیاسی، مردمی و نیروهای دگراندیش اجازه فعالیت سیاسی ندارند و انسان ها به جرم اندیشیدن و دفاع از آزادی به بند کشیده می شوند و به زندان های قرون وسطایی اعزام می شوند تا زیر شکنجه های وحشیانه از عقاید خود دست بردارند و در کشوری که مشی تاریک اندیش مرتجع زیر لوای «شورای نگهبان» می توانند هرکس را به جرم «مخالفت با نظام» و «ولایت فقیه» رد صلاحیت کنند، نمی توان از یک انتخابات آزاد و مردمی که در آن مردم اجازه داشته باشند آزاده اراده خود را از طریق صندوق های رأی اعمال کنند سخن گفت. در چنین اوضاعی آنچه که در مقابل مردم قرار دارد روزنه بی است برای ابراز مخالفت و طرح این نظر که دیگر خواهان ادامه وضع کنونی نیستند. این است ماهیت اساسی انتخاباتی که پیش روی مردم ماست فراراندوم دیگری برای تأیید روند اصلاحات و طرح خواست استقرار حاکمیت مردمی و طرد رژیم استبدادی «ولایت فقیه». سران رژیم با درک این واقعیت است که مترصدند این روند را حتی المقدور خدشه دار و بی اعتبار کنند تا بعداً بتوانند راحت تر آن را مورد تهاجم بعدی خود قرار دهند.

تعدد نامزدهای انتخاباتی، معرفی «نامزدهای مستقل»، با برنامه های غلط انداز و حتی نام نویسی نامزدهای هم نام (به گزارش روزنامه نوروز، «یک روحانی که هم نام رئیس جمهور است دیروز به ستاد انتخابات آمد و برای انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کرد. این روحانی که سید محمد خاتمی نام دارد، ۳۶ ساله است و در اداره عقیدتی - سیاسی ارتش مشغول فعالیت است) همگی با هدف مشخص مخدوش کردن روند انتخابات صورت می گیرد. جنبش مردمی باید با هوشیاری و دقت با این تلاش های موزیانه مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم مقابله کند. بی شک در روزهای آینده با اعلام تصمیم شورای نگهبان ارتجاع درباره تأیید و یا عدم تأیید صلاحیت نامزدهای انتخاباتی روشن تر می توان در این زمینه سخن گفت.

مقامات جمهوری اسلامی در مسیر برنامه سوم توسعه، فعالیت گسترده ای را از ابتدای سال ۸۰ خورشیدی، بویژه در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی آغاز کرده اند. محور این فعالیت ها، به گفته مسئولان وزارت نفت، جلب و جذب هر چه بیشتر سرمایه خارجی و خصوصی سازی در واحدهای صنعت نفت ایران است.

محمد رضا نعمت زاده، معاون وزیر نفت و مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، طی یک گفتگوی مطبوعاتی در سوم اردیبهشت ماه امسال، درباره وضعیت پتروشیمی بعنوان یک بخش استراتژیک در صنعت ایران از جمله اظهار داشت: «میزان جذب سرمایه گذاری خارجی در صنعت پتروشیمی کشور در سه سال گذشته به ۴/۵ میلیارد دلار رسید. بیشترین میزان جذب سرمایه گذاری خارجی، با ۲/۷ میلیارد دلار مربوط به سال گذشته بود، حداقل میزان جذب سرمایه گذاری خارجی پیش بینی شده در بودجه امسال ۱/۵ میلیارد دلار است.» وی سپس ادامه داد: «ارزش محصولات پتروشیمی حاصل از ۴/۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری، ۴/۵ میلیارد دلار در سال بوده است ارزش صادرات پتروشیمی در سال گذشته ۸۳۰ میلیون دلار بوده است.»

نعمت زاده با توضیح جلب و جذب سرمایه خارجی و اعلام این مطلب که، سومین همایش بین المللی پتروشیمی با هدف خصوصی سازی در این رشته به زودی در تهران برگزار خواهد شد، و اشاره به انعقاد قراردادهایی با شرکت های اروپایی و ژاپنی اجرای سیاست خصوصی سازی را هدف وزارت نفت نامید و خاطر نشان ساخت: «سه قرارداد با شرکت های اروپایی به ارزش کلی ۸۰۰ میلیون دلار در حال نهایی شدن است. شرکت های ژاپنی نیز علاقمندی خود را برای فعالیت در بخش هایی از صنعت پتروشیمی اعلام نموده اند. باید به بخش خصوصی نسبت به سود دهی سرمایه گذاری در صنعت پتروشیمی اطمینان داد، مذاکرات زیادی با شرکت های بخش خصوصی برای مشارکت در طرح های پتروشیمی صورت گرفته است، بطوریکه در ظرف ۲ سال اخیر شاهد مشارکت آنها در پنج طرح پتروشیمی هستیم.»

سخنان مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، در حقیقت، تأکید مجددی بر اجرای بی چون و چرای خصوصی سازی در صنایع گاز و پتروشیمی است که به موازات آن تعداد قابل توجهی از کارکنان این صنایع شامل طرح تعدیل نیروی کار شده و شغل خود را از دست می دهند.

رژیم ولایت فقیه، به منظور جلب و جذب سرمایه خارجی و تأمین خواست های انحصارات فراملی، بویژه شرکت های بزرگ نفتی، سیاست نیروی کار ارزان و مطیع را با شدت و حرارت عملی می سازد. این برنامه، در طول سال گذشته خورشیدی با مخالفت و مقاومت بسیار گسترده و ژرف نفتگران روبه رو گردیده است که برجسته ترین نمونه آن اعتصابات یکپارچه و سازمان یافته کارکنان شرکت ملی حفاری بود. هم اکنون، علاوه بر شرکت ملی حفاری، صنعت فوق العاده حیاتی پتروشیمی نیز در معرض خصوصی سازی قرار گرفته است و این مسئله امنیت شغلی هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان فکری و یدی شاغل در این صنایع را بطور جدی تهدید می کند. خصوصی سازی در پتروشیمی، در چارچوب اصلاح ساختار صنعت نفت به اجرا در می آید. بنا به برآوردهای اولیه در صورت عملی شدن طرح مذکور علاوه بر اینکه به منافع ملی ایران لطمات جبران ناپذیری وارد می شود، هزاران زحمتکش از کار برکنار و سطح دستمزد هزاران نفر دیگر به نصف کاهش پیدا خواهد کرد. مبارزه بر ضد سیاست خصوصی سازی، سیاستی که به پایمال شدن امنیت و منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در واحدهای گوناگون صنعت پتروشیمی منجر شده است، دم به دم گسترش می یابد. به گزارش رسانه های همگانی از اوایل سال جاری، مراکز کارگری در بندر شاپور، ماه شهر و اراک که مجتمع های پتروشیمی در آنها قرار دارد به شدت متشنج بوده و اعتصابات متعددی در آنها روی داده است.

روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ فروردین ماه، در گزارشی اعتراف می کند: «شاهد هستیم که برخی مدیران بدون احساس مسئولیت اقدام به اخراج دستجمعی کارگران می نمایند و در صدد اخراج جمع کثیری از کارگران (مجتمع پتروشیمی ماه شهر و بندر شاپور) هستند. اخیراً ۱۱۰ نفر از کارکنان پتروشیمی بندر امام (بندر شاپور) که در واحدهای مختلف مشغول به کار بودند، اخراج شده اند، ۷۰۰ نفر دیگر نیز در انتظار (اخراج) هستند.»

در اینجا تذکر این نکته ضروری است که، برخلاف تبلیغات عوام فریبانه روزنامه بی چون «جمهوری اسلامی» اخراج دستجمعی، ابتکار عده بی از مدیران بدون احساس مسئولیت نیست، بلکه سیاست رسمی رژیم «ولایت فقیه» است. اتفاقاً همین مدیران پس از انجام وظایف خود به نحو احسن، ارتقاء، درجه و مقام یافته و بر کرسی های صدارت، وزارت و وکالت تکیه می زنند. نمونه در رژیم واپس گرای ولایت فقیه در این خصوص بسیار است. کارگران، کارمندان، تکنسین ها، متخصصان صنایع پتروشیمی بندر شاپور، نخستین قربانیان طرح خصوصی سازی در صنعت نفت اند. در صورت موفقیت سیاست رژیم در این مجتمع، سیاست مذکور بطور ضربتی و سریع در دیگر رشته های مربوط به نفت، گاز و پتروشیمی به مرحله اجرا در خواهد آمد.

حزب توده ایران، همان گونه که در چند سال اخیر تأکید کرده است، یادآور می شود که، رژیم ولایت فقیه با پایمال کردن حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان، چراغ سبز را به انحصارات فراملی نشان داده و عزم خود را در تأمین امنیت سرمایه در عمل ثابت می کند.

این چنین سیاستی، نه تنها ضربه کاری به منافع ملی میهن ماست، بلکه سبب می شود که ایران در سده بیست و یکم پیش از گذشته به کشورهای امپریالیستی وابسته شود. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان سراسر کشور باید بطور جدی و فعال از مبارزه و مقاومت نفتگران، بویژه کارکنان صنایع پتروشیمی در لحظه حاضر، حمایت کرده و با ارتقاء سطح سازمان دهی و همبستگی به مبارزه بی متحد، سازمان یافته و منظم با برنامه های ضد ملی و کارگر ستیزانه ولایت فقیه برخیزند.

تأمین حقوق و منافع زحمتکشان فقط و فقط با مبارزه متشکل در پرتو وحدت و تشکیلات موثر بوده و مانع از کامیابی ارتجاع می گردد.

نگاهی به رویدادهای جهان در هفته ای که گذشت

تهدیدی جدی برای صلح!

جورج بوش، رئیس جمهوری آمریکا، در اقدامی بی سابقه، در روز اول ماه مه، با اعلام قصد این کشور به تولید یک سیستم موشکی «جنگ ستارگان» خواستار لغو معاهده مهم عدم تولید سیستم های موشکی ضد بالیستیکی (که در سال ۱۹۷۲ امضاء رسید) گردید. جورج بوش که در «دانشگاه دفاع ملی» وابسته به پنتاگون سخن می گفت، اعتراضات یکپارچه بین المللی در مخالفت با طرح ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی را که میلیارد ها دلار خرج آن خواهد بود، بی اساس دانست. رئیس جمهوری آمریکا که نقطه نظر های افراتی او روز به روز مشخص تر می شود درباره هزینه گزاف این طرح گفت: «واضح است که هنگامی که یک امری ارجحیت دارد، ما منابع مالی لازم برای تامین آن را فراهم خواهیم کرد.» او درباره طرح دفاع موشکی توضیح داد که هدف آن کوشش به کشف و مورد اصابت قراردادن موشک های بالیستیکی است که گویا از سوی کشور های «یاغی» به سوی آمریکا شلیک می شوند. جورج بوش اظهار داشت که او مصمم است که فن آوری سیستم مزبور را در اختیار متحدان استراتژیک آمریکا و از جمله اسرائیل نیز بگذارد. رئیس جمهوری آمریکا در اقدامی برای ممانعت از وسیع تر شدن موج مخالفت ها با طرح خطرناک خود، در روز ۱۰ اردیبهشت ماه تلفنی با اکثر رهبران کشورهای اروپای غربی صحبت کرد و سعی به جلب نظر آنان کرد. قرار است رهبران کشورهای سرمایه داری در رابطه با این طرح آمریکا در یک اجلاس مهم به گفتگو بنشینند. بسیاری از کشورهای غربی معتقدند که تصمیمات ایالات متحده به تولید سیستم دفاع ضد موشکی باعث بالا گرفتن تشنج بین ناتو از یک طرف و روسیه و چین از طرف دیگر خواهد شد.

خبرگزاری رسمی چین، در ۱۲ اردیبهشت، موضع دولت چین در مخالفت با این تصمیم آمریکا را منتشر کرد. بیانیه رسمی دولت چین اظهار می دارد: «طرح دفاع موشکی ایالات متحده معاهده منع تولید موشک های ضد بالیستیکی را نقض کرده، از نه نیروی امنیت جهانی را نابود می سازد و منجر به یک باقیه تسلیحاتی جدید خواهد شد.» دولت روسیه نیز مصراانه مدافع احترام به مفاد معاهده ضد موشک های بالیستیکی ۱۹۷۲ بوده و طرح «جنگ ستارگان» آمریکا را خطری برای صلح جهانی می داند. ایوانوف، وزیر خارجه روسیه در اظهارتی در روز ۱۲ اردیبهشت ماه گفت: «به نظر ما، این سند (معاهده ۱۹۷۲) از ساختار کلی خلع سلاح که در طی ۳۰ سال گذشته شکل گرفته است، جدایی ناپذیر است.»

حزب توده ایران هم صدا با تمامی نیروهای مدافع صلح در جهان اقدام ماجراجویانه رئیس جمهور آمریکا را تهدیدی بر ضد صلح جهانی قلمداد کرده و آن را محکوم می کند. ما نیت واقعی دولت آمریکا را از چنین تصمیمی کوشش در جهت تامین هژمونی این کشور بر جهان می دانیم.

تظاهرات بر ضد اجلاس سرمایه داران در «کبک»

بیش از بیست هزار نفر در تجمعی در مقابل محل برگزاری اجلاس «کبک» موسوم به «اجلاس منطقه آزاد تجاری قاره آمریکا»، بر ضد ایجاد بزرگترین منطقه تجاری آزاد در جهان، دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان در مراسم اعتراضی خود پلاکاردهایی را به همراه داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: «طرح تجارت آزاد باعث گرسنه تر شدن فقرا خواهد شد» و مخالفت زحمتکشان را با اجلاسی که از طرف سران شرکت های فراملیتی و بانک های بزرگ آمریکا کنترل می شود، بیان می کرد. پلیس با گلوله های پلاستیکی، باتون، و ماشین های مخصوص بافشار قوی آب، به مقابله با تظاهر کنندگان پرداخت. بخش کوچکی از آنارشیست ها که در تظاهرات شرکت داشتند نیز با پرتاب سنگ و کوکتل مولوتوف، به

صوف پلیس حمله کردند. در نتیجه این درگیری ها بیش از ۳۰ نفر زخمی و بیش از ۱۵۰ نفر بازداشت شدند. به علت تظاهرات گسترده ای که بر ضد اجلاس مختلف سازمان تجارت جهانی و دیگر نشست های سران بانک جهانی و شرکت های فراملیتی در سراسر جهان صورت گرفته است، سازمان تجارت جهانی تصمیم دارد تا جلسه آتی خود را در جای دیگری برگزار کند که دور از دسترس تظاهر کنندگان باشد. از این رو جلسه بعدی این سازمان قرار است در ماه نوامبر در قطر برگزار شود. صندوق بین المللی پول نیز اجلاس سال ۲۰۰۳ خود را در دوی برگزار خواهد کرد. در اجلاس اخیر رهبران ۳۴ کشور آمریکایی، به غیر از کوبا شرکت داشتند. در بیانیه رسمی که از طرف دولت کوبا دریا این اجلاس انتشار یافت گفته می شود که، شورش های خیابانی نشان دهنده صدای مخالفت مردم است... ما مایلیم بدانیم که سیاست های کانادا در قبال کوبا در «اوتاو» طراحی می شود یا در «واشنگتن»... این خیلی مسخره است که ما باید نصیحت هایی را از دولتی بشنوم که خود هر روزه به دلیل تبه کاری های خود مورد اعتراض مردم خود قرار می گیرد.

آنچه که تحت نام «منطقه تجاری آزاد»، مورد بحث است، در واقع «FTAA»، اقدامی دیگر از سوی بانک داران و صاحبان شرکت های بزرگ فراملیتی و سیاست مداران حامی آنها در کنار زدن هرگونه مانعی بر سر راه استمرار در جهان است. شعبه های مرکزی بانک هایی که در اجلاس اخیر شرکت داشتند، در «وال استریت» قرار دارد و نیروهای پشتیبان آنها در این طرح نیز، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و مقامات دولتی در واشنگتن اند. این طرح با گسترش منطقه NAFTA تحت پوشش موافقتنامه نفتا که در دهه ۹۰ بین آمریکا، کانادا و مکزیک به امضاء رسید، منطقه وسیعتری را برای «تجارت آزاد» ایجاد می کند که جابجایی نیروی کار و بیکاری از عواقب مسلم و ناگزیر آن هستند. بر اساس بررسی انجام شده توسط مولی اسکات از دانشگاه واشنگتن، تنها در دو سال اول قرارداد موسوم نفتا به، بیش از دویلمیون نفر در مکزیک از کار خود برکنار شده اند. از کار برکنار شدن به معنای آن است که آنها یکه دارای مشاغل تمام وقت و با در آمد بالا بودند، کار خود را از دست داده اند. بسیاری از آنها به کارهای نیمه وقت پرداخته اند و یا مجبور شده اند تا به کارهای فصلی با دستمزدی کمتر از حداقل دستمزد قانونی بپردازند. در کانادا، طی سال اول بیش از ۲۵۰ هزار نفر کار خود را از دست دادند و بیکار شدند. بر اساس گزارش «بخش سیاست های اقتصادی آمریکا» در ایالات متحده بیش از نیم میلیون نفر از کار بیکار شدند. در سه سال اول بیش از ۸۶۶ میلیون کارگر در مشاغل گوناگون جا بجا شدند. بسیاری از آنها کار تمام وقت خود را از دست دادند و به جمع بیکاران یا کارگران نیمه وقت رانده شدند. بیش از نیمی از این تعداد در صنایع نساجی بود. بسیاری از کارخانه های نساجی به مکزیک منتقل شدند تا در آنجا صاحبان کارخانه ها بتوانند کارگران مکزیک را با دستمزدی

برابر با یک هشتم دستمزد کارگران آمریکایی، به کار ببار آورد. NAFTA «دعوت» کنند. نتایجی که قرار داد، برای طبقه کارگر در کشورهای ایالات متحده، کانادا و مکزیک فاجعه بار بود و قرار داد موسوم به FTAA به دلیل وسعت آن، که شامل ۳۴ کشور خواهد بود، بمراتب عواقب وخیم تری را ببار خواهد آورد و بیکاری بیشتری را به همراه خواهد داشت. با انعقاد چنین قراردادهایی در سطح جهان، که روز بروز وسعت بیشتری می گیرد، سرمایه داری به راحتی با انتقال سریع سرمایه و با ایجاد واحد های تولیدی در منطقه بی که نیروی کار ارزانتری وجود دارد، کارخانه ها و مراکز تولیدی را در کشورهای بی که دارای دستمزد بالاتری هستند تعطیل می کند و تعداد بیشتری را به جمع بیکاران می راند و به دلیل آنکه آزادی کامل برای انتقال کارگاه های تولیدی دارد، داشتن کاری ثابت برای کارگران نیز بی مفهوم می شود و خطر بیکاری هر لحظه کارگران را تهدید می کند. دلیل عمده سرمایه داری در کوشش برای گسترش چنین طرح هایی، حمله به سطح شرایط کاری و مزایای کارگران کشورهای پیشرفته صنعتی است که از مزایا و امکانات ایمنی کار بیشتری برخوردارند، که این به نوبه خود هزینه های خاص خود را دارد. سرمایه داری با انتقال مراکز تولیدی به کشورهای «رو به رشد» علاوه بر پرداخت دستمزد کم، امکانات ایمنی و مزایای کمتری را برای کارگران قایل می شود که بنوبه خود سود بیشتری را به همراه خواهد داشت. این حقیقتی است که با گسترش «مناطق آزاد تجاری» خطر حوادث ناشی از کار برای کارگران این کشورها افزایش یافته است. اعتراض های وسیع در «کبک» بخشی از اعتراض عمومی کارگران و زحمتکشان در قاره آمریکا بر ضد انعقاد چنین قراردادهایی است، قراردادی که در راستای تحکیم «جهانی شدن» صورت می گیرد و به آن شتاب بیشتری می دهد، روندی که بیکاری، فقر، گرسنگی، مرگ و بیماری را برای زحمتکشان به همراه دارد.

یورش بر ضد نیروهای اپوزیسیون در نپال

دولت حاکم نپال، در یورش وسیع به احزاب و گروه های سیاسی اپوزیسیون این کشور، بسیاری از رهبران و اعضا آنها را دستگیر کرد. دولت «کنگره نپال» به رهبری «جیرینجا پراساد کورالا»، به نیروهای انتظامی کشور دستور داده است تا با شدت عمل تمام، بر ضد نیروهای اپوزیسیون وارد عمل شوند. در اولین اقدام نیز پلیس این کشور، «مادهو کومار»، رهبر اپوزیسیون اصلی نپال در مجلس را به همراه جمع دیگری از اعضا مجلس دستگیر کرد. بسیاری از رهبران و اعضا احزاب، مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته اند. حمله دولت به نیروهای اپوزیسیون در پی اعتراض های احزاب به فساد در دستگاه دولتی و اختلاس های مالی بزرگ، صورت گرفت. احزاب سیاسی نپال با این اعتراض ها خواستار رسیدگی به وقایع اخیر و معرفی عواملان دزدی ها، اختلاس ها و دیگر فساد های دولتی بودند. حزب کمونیست نپال در بیانیه بی ضمن محکوم کردن این حرکت گفت که دستگیری های اخیر، «بطور کامل ناقض قانون اساسی نپال است. قوانین مربوط به آزادی اجتماعات، آزادی بیان و عقیده، آزادی تشکیل اتحادیه ها و انجمن ها، آزادی برای اعتصاب و تظاهرات بطور جدی نقض شده است». حزب کمونیست نپال و دیگر احزاب چپ، در تدارک راه پیمایی و اجتماع آرام دو ساعته ای بودند تا بتوانند برنامه بی را برای مبارزه با فساد دولت ارایه کنند، اما دولت که تحمل پذیرش این برنامه قانونی و صلح آمیز را نداشت بسیاری از رهبران و اعضا احزاب چپ را دستگیر کرد. حزب کمونیست نپال طی اطلاعیه های خود از مردم خواسته است تا با تظاهرات وسیع، اعتراض خود را بر ضد سیاست های دولت اعلام کنند. به همین منظور، ۶ حزب چپ با اتحاد خود و صدور بیانیه های گوناگون، اتحاد نیروهای چپ را بر ضد دولت ضروری شمردند و با برنامه بی هم آهنگ در تدارک اعتراض های وسیع تری هستند.

مراسم روز جهانی کارگر

نقطه عطفی در مبارزه بر ضد نولیبرالیسم و «جهانی شدن» سرمایه داری!

اقدامات سرکوبگرانه پلیس انگلیس در رابطه با مراسم اول ماه مه و بسیج وسیع نیروهای ویژه پلیس را محکوم کرد و گفت: «این اقدامات به این سبب است که آن‌ها از همبستگی کارگری و انترناسیونالیسم کارگری هراس دارند.»

در برلین، پایتخت آلمان، پلیس این کشور با ماشین‌های آب پاش فشار قوی به صفوف تظاهر کنندگان مراسم اول ماه مه و مبارزان ضد فاشیست حمله کرد. در دو منطقه برلین شرقی بیش از ۶/۰۰۰ فعال رادیکال و ضد فاشیست با ایجاد باریکاد سعی در جلوگیری از راهپیمایی نو فاشیست‌های عضو «حزب دموکراتیک ملی» کردند. در نهایت حدود ۹۰۰ نو فاشیست در حالی که از سوی پلیس اسکورت می شدند، و در منطقه کارگری «هونشون هاونسن» راه پیمایی کردند. در فرانکفورت هزاران فعال ضد فاشیست مانع برگزاری راهپیمایی «حزب دموکراتیک ملی» شدند. در «درسدن» واقع در شرق آلمان حدود هزار تن طرفداران «حزب دموکراتیک ملی» که چکمه‌ها و پوتین‌های شبه نظامی آنان توسط پلیس ضبط شده بود، پا برهنه راهپیمایی کردند. در جریان درگیری بین پلیس و نیروهای ضد فاشیست در سراسر آلمان صدها نفر زخمی و دستگیر شدند.

در فرانسه ده‌ها هزار کارگر و اعضای اتحادیه‌های کارگری در جریان راهپیمایی‌هایی که در صفوف اول آن کارگرانی که اخیراً کار خود را در موج تازه تعدیل نیروی انسانی در یک سری از کمپانی‌های عمده از دست داده‌اند، حرکت می‌کردند. مراسم اول ماه مه را به اعتراض وسیعی بر ضد کمپانی‌های عمده که تحت عنوان «تغییرات ساختاری» سیاست‌های ضد کارگری را اعمال می‌کنند، تبدیل کردند. کانون توجه مراسم اول ماه مه امسال اعتراض به کمپانی فرانسوی مواد غذایی «دانون» و کمپانی انگلیسی «مارکس انداسپنسر» بود که تصمیم خود به بستن کارخانجات و فروشگاه‌های خود را اخیراً اعلام کرده بودند. در پاریس مراسم راه پیمایی عظیم اول ماه مه که از طرف اتحادیه‌های کارگری سازمان دهی می‌شود با حضور کارمندان شرکت‌های هواپیمایی خطوط هوایی داخلی، که ملبس به اونیفورم‌های رسمی خود بودند، شکوه ویژه‌ای یافته بود. در هفته‌های اخیر افکار عمومی متوجه خطر بیکاری برای ۷۰۰۰ کارمندان این کمپانی‌های هواپیمایی که مدعی است در معرض ورشکستگی قرار دارند، بوده است. مارسل

ادامه در صفحه ۳

کمک‌های مالی رسیده

به یاد روزبه، قهرمان ملی ایران
از کلن ۵۰۰ مارک
به مناسبت ۶۰-مین سالگرد حزب
از برلین ۸۰ مارک

استالینگراد سابق، و شهر تولا که هر دو در حال حاضر توسط نیروهای چپ اداره می‌شوند، گردهمایی‌های بزرگی از زحمتکشان به مناسبت اول ماه مه برگزار شد. در مراسم اول ماه مه در کیف، پایتخت اوکراین، رفیق پترو سیموننکو، رهبر حزب کمونیست اوکراین، خواهان نقطه پایان گذاردن بر سیاست‌های اقتصادی طرفدار غرب شد که از سوی ویکتور یوشچنکو، نخست وزیر دست راستی کشور، ارائه شده است و هفته پیش پارلمان او به رای عدم اعتماد داد. در ارمنستان ده‌ها هزار نفر از کارگران و زحمتکشان و اعضای حزب کمونیست این کشور در مراسم اول ماه مه که امسال برای اولین بار پس از ده سال تعطیل عمومی اعلام شده بود، شرکت کردند.

در لندن دولت انگلیس با بسیج بیش از ده هزار پلیس ویژه ضد اغتشاشات و سازمان‌دهی تبلیغات منفی وسیع از هفته‌ها قبل سعی در ارباب شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه کرد. اقدامات ایذایی پلیس که از روزها قبل آغاز شده بود و از جمله تعقیب سازمان‌دهندگان مراسم، فیلم برداری از رفت و آمد مراجعین به دفاتر و مراکز سازمان‌های شرکت کننده، حمله به تظاهر کنندگان در خیابان‌های مرکزی لندن، و بازداشت هزارتن از تظاهر کنندگان در یکی از چهار راه‌های معروف مرکز لندن، انعکاسی بود از وحشت امپریالیسم کهنه کار انگلستان از جنبش نوین ضد «جهانی شدن» و نولیبرالیسم اقتصادی.

رفیق آیتا هالپین، صدر حزب کمونیست بریتانیا و از رهبران اتحادیه روزنامه نگاران، در مراسم اول ماه مه که از سوی اتحادیه‌های کارگری سازمان داده شده بود گفت: «اول ماه مه اساساً یک تظاهرات ضد کاپیتالیستی است. این تظاهرات اکنون بیش از هر زمان دیگری ضروری است چرا که کاپیتالیسم جهانی به فشرده‌تر کردن چنگال خود بر کره ارض ادامه می‌دهد.» او اضافه کرد: «شعارهای اولین مراسم روز جهانی کارگر در سال ۱۸۹۰ در طلب ۸ ساعت کار در روز و حداقل حقوق امروز هم مطرح اند. کاهش تعداد ساعات کار در هفته و تعیین حداقل حقوق واقعی مناسب، در کوشش برای ایجاد اشتغال برای یک میلیون کارگر بیکار از امور کلیدی است.»
میک ریگس رهبر اتحادیه رانندگان لوکوموتیو در سخنرانی خود در مراسم ضمن محکوم کردن دولت انگلیس در حمایت از طرح‌های امپریالیسم آمریکا بر ضد کو با، گفت: «آن‌ها به کشوری حمله می‌کنند که تنها جرم آن این است که می‌خواهد با ایالات متحده و جهان سرمایه داری متفاوت باشد.» میک ریگس

امسال در روز اول ماه مه خیابان‌های لندن، پاریس، برلین، رم، سیدنی، مسکو، و پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ اکثر کشورهای جهان به صحنه بزرگترین نمایش مخالفت یکپارچه طبقه کارگر با نولیبرالیسم و جهانی شدن سرمایه داری تبدیل شد. میلیون‌ها تن از شهروندان در اعتراض به عواقب مخرب سیاست‌های اقتصادی نولیبرالیستی و فقر فزاینده و آشکار، نه فقط در کشورهای در حال توسعه بلکه در بزرگترین شهرهای ایالات متحده و اروپا، خواستار اتخاذ جایگزین‌های مردمی و عادلانه شدند.

یکی از برجسته‌ترین مشخصات مراسم اول ماه مه امسال شرکت وسیع طرفداران حفظ محیط زیست، حامیان الغاء بدهی کشورهای فقیر و نیروهای آناشیت ضد سرمایه داری بود. نیروهای رادیکال ضد سرمایه داری در ادامه موفقیت‌آمیز موج جدید تظاهرات ضد «جهانی شدن» که از «قیام سیاتل» تا کنون در مناطق مختلف جهان و در مناسبت‌های گوناگون سازمان داده شده است، از مراسم اول ماه مه در انگلستان، آلمان و استرالیا و چند کشور دیگر سرمایه داری برای حمله به مظاهر برجسته سرمایه داری نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی استفاده کردند.

در قلمرو اتحاد شوروی سابق، میلیون‌ها نفر از مردم در راه پیمایی‌ها و گردهمایی‌ها به مناسبت اول ماه مه با شعارهایی بر ضد فقر، بیکاری و دیگر نتایج فاجعه بار اعاده سرمایه داری شرکت کردند. در روسیه بیش از نیم میلیون نفر در مراسم مختلفی که در اقصی نقاط بزرگترین کشور جهان برگزار گردید، مخالفت خود را با سیاست‌های خانمان سوز خصوصی سازی و نابود کردن صنایع به بهانه تجدید ساختار اعلام کردند و خواستار اعاده سیستم تامین اجتماعی گسترده‌ای شدند که در دوران سوسیالیسم در کشور وجود داشت. در مسکو، ده‌ها هزار نفر از کمونیست‌ها، و اعضای اتحادیه‌های کارگری در جریان مراسمی که موضوع اصلی آن محکوم کردن پزیدنت ولادیمیر پوتین و سیاست‌های نولیبرالی او مانند پیشنهاد فروش زمین بود، به سوی کرملین راه پیمایی کردند. بسیاری از تظاهر کنندگان به نشانه آرزوی بازگرداندن دوره حاکمیت سوسیالیستی، پرچم‌های سرخ و تصاویر لنین و استالین و دیگر مظاهر حیات اتحاد شوروی را با خود حمل می‌کردند. لیدیا اولنیکو، یک شهروند بازنشسته روس خاطر نشان کرد: «گرچه شرکت در مراسم امروز برای من دشوار بود، اما من آمدم که این روز تعطیل را جشن بگیرم به سبب این که همه چیز را دیگر از ما گرفته‌اند.»

ده‌ها هزار نفر از مردم سن پترزبورگ، لنینگراد سابق، در مراسم اول ماه مه شرکت کردند. در ولگوگراد،

آدرس‌ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
Nameh Mardom-NO 608
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8 May 2001
شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما
نام IRAN e. V.
شماره حساب ۷۹۰۰۲۰۵۸۰
کد بانک ۱۰۰۵۰۰۰۰
بانک Berliner Sparkasse